



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

جلوه وجه الله با تجلی حق در ماه شعبان

سؤال: درباره ولادت حضرت صاحب الامر (علیه السلام) مشهور است که در نیمه شعبان بوده، و از طرفی دیده ام که خواص پیروان اهل حق در روز هشتم شعبان جشنواره تجلی و ولادت را برگزار می کنند، می خواستم برایم توضیح دهید که واقعیت امر چیست و کدام تاریخ صحیح یا مهمتر است؟



جواب: این موضوع برای توضیح شافی و وافی نیاز به تالیف کتابی مستقل دارد، ولی برای اینکه سؤال شما بی پاسخ نماند؛

فهرستوار رؤوس عناوین مطالب مهمی که پرسش شما را از هر جهت پاسخ دهد بیان می‌کنم:

۱- مناسبت‌های دینی و ایام آن هر قدر متعدد شوند ولو به عنوان یک مناسبت باشد؛ اشکالی نداشته، و گرامیداشت آن احیای شعائر الله می‌باشد، لذا با آشکار شدن ویژگی مناسبت و تاریخی؛ بلکه اولویت و اهمیت آن؛ به هیچ وجه از ارزش مناسبت و تاریخ مشهور کاسته نمی‌گردد، و هر چیز به جای خویش نیکوست.

۲- تعدد نقل و روایت درباره تاریخ مناسبت‌های دینی بسیار فراوان بوده؛ و امر عجیبی نمی‌باشد، وقتی رحلت حضرت خاتم‌الأنبیاء 6 که مورد اهتمام و اطلاع همه مسلمانان بوده و فرق دیگر علیرغم ضعفها و کاستیهای اعتقادی؛ از ابتدا به



آن توجه داشته اند، و موضوعش نیز امری آشکار و علنی بوده و تحت هیچ گونه شرایط خفا و تقیه نبوده است، ولی با این حال می‌بینیم که در تاریخ رحلت حضرتش بیش از سیزده قول و تاریخ؛ تنها در میان عامه مطرح است! وقتی چنین امر عمومی و همگانی و آشکاری به این مقدار تعدد اقوال و تاریخ مبتلا شده، دیگر وضعیت مناسبت‌هایی که همواره پنهان داشته شده و در طول تاریخ محکوم به تقیه و کتمان بوده است؛ معلوم است. موضوع ولادت حضرت مولا صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) تا لحظه ولادت حتی بر خواص اهل خانه امام 7 علیه السلام مخفی و پوشیده بوده و پس از آن نیز موضوع حضرتش همواره با خفاء و اخفاء مواجه بوده و حتی وجود شریف حضرتش که از ابتدای ولادت تا کنون با ستر و پوشیدگی قرین بوده است.

۳- درباره ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) تواریخ متعددی ذکر شده است؛ که به دوازده تاریخ و هنگام

می رسد، که در روزهایی از ماههای رمضان و ربیع الأول و رجب و شعبان نقل شده است.

۴- آنچه که در میان خواص اهل حق متداول است؛ ضمن احتوای بر اسرار و معارف خاصه؛ خالی از عنوان مشهور میان عامه ناس نبوده؛ بلکه آنرا نیز شامل است، یعنی اینکه اگر چه روز هشتم ماه شعبان را روز تجلی ربّ العالمین در ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) می دانند، ولی روز نیمه شعبان را نیز گرامی می دانند، چه اینکه روز ظهور عام و اظهار حضرتش بر عموم بوده، پس از اولین پنهانی و خفا که پس از ولادت برای حضرتش پیش آمد، حضرت امام حسن عسکری **7** با فراخوانی بزرگان اهل حق از سراسر بلاد و سرزمینها؛ حضرت مولا صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) را به آنها و دیگر خلائق نمایانند، و این

هنگام اولین وقتی است که عموم خلائق از وجود حضرتش آگاه شدند و لذا به تاریخ ولادتش مشهور گردیده است.

۵- حضرات معصومین (علیهم السلام) دارای دو صنف از اصحاب و یاران بوده اند، یک صنف که صرفا حاملان علوم ظاهری و مروجین اعلام و نشانهای رسمی آیین حق بوده اند **4**، و یک دسته که گذشته از علوم ظاهری؛ حاملان اسرار و علوم باطنی آن حضرات نیز بوده اند، و لذا در نقل و انتقال کلام خازنان وحی می بینیم که حاملان اسرار **5** ضمن اینکه ابوابی از علوم حضرات را می گشایند که در نزد حاملان علوم ظاهری یافت نمی شود؛ در همان موارد علوم ظاهری نیز تفصیل و نکات و دقایق و رقایق را مطلع و حاملند؛ که نتیجتا همان علوم ظاهری در سطح بسیار والاتری عرضه می گردد. به مناسبت مقام: حدیث شریفی که واقعه اظهار حضرت مولا صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) بر خواص شیعیان را نقل می نماید، در مجمع حدیث حاملان علوم ظاهری **4**؛ از جمع خواص و بزرگان حاضر آن مجلس به نحو اشاره سخن رفته است که جمعی از اصحاب حاضر بودند، ولی همین واقعه در مجمع حدیث حاملان علوم باطنی **5**؛ به تفصیل شرح شده است، با ذکر عدد آنها و اینکه هفتاد و چند نفر بودند، و بردن نام یکایک افراد و ویژگیهای ایشان (که در میانشان خادمان و خواص حضرات امامان رضا و جواد و هادی و عسکری علیهم السلام بوده اند)، و بالاتر اینکه صاحب کتاب و ناقل روایت به یک نقل اکتفا نکرده،



بلکه به حضور یکایک افراد حاضر آن مجلس رسیده و واقعه را از هریک جداگانه شنیده است، آیا چنین نقلی و روایتی قابل مقایسه با نقل اجمالی و غیر دقیق را دارد؟ نه خیر به هیچ وجه.

۶- تاریخ ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) سحرگاه و پیش از طلوع فجر روز جمعه هشتم شعبان ۲۵۷ هجری قمری (دو سال و هفت ماه پیش از شهادت حضرت امام حسن عسکری ۷) می باشد.

۷- این تاریخ در مجمع حدیث و کلام خازنان وحی که از طریق اصحاب اسرار معصومین علیهم السلام رسیده است، درج و ثبت بوده و از نظر اهل حق مسلم می باشد.

۸- در حدیث شریف جناب مفضل جعفری ۱ که در باب ظهور حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) از حضرت امام صادق ۷ نقل نموده است و بیش از یکصد صفحه متوالی است، حضرت امام صادق ۷ ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) را در همین تاریخ بشارت داده اند.

۹- در سال ۲۵۵ هجری قمری حضرت امام حسن عسکری ۷ پس از دادن بشارت نزدیکی ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) به یکی از خواص اصحابشان؛ و سؤال وی از تاریخ ولادت ایشان؛ حضرت امام عسکری ۷ دقیقاً تاریخ فوق الذکر را خبر داده بودند.

۱۰- در نقل دقیق حدیث مفصل شرح واقعه ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) که در مجمع حدیث خواص اهل حق نیز آمده؛ همین تاریخ ذکر شده است.

۱۱- در حدیث شریف دیگری که در مجمع حدیث اصحاب اسرار حضرات نقل شده است که: در همان سال ولادت شب نیمه شعبان جمعی از اهل حق که عازم سامرا بودند؛ شب نیمه شعبان را به زیارت مشهد حسینی ۷ مشرف شده؛ و در آنجا با شیعیانی که از سامرا برای زیارت به کربلا آمده بودند ملاقات کرده بودند، و آنها بشارت داده بودند که ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) در شب هشتم شعبان واقع گردیده است.

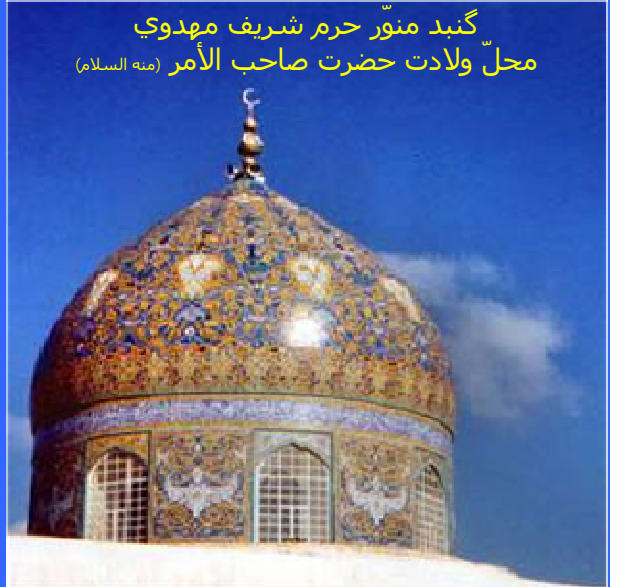
۱۲- اطلاع از تاریخ ولادت حضرت صاحب الأمر (منه السلام والیه التسلیم) در هشتم شعبان سال ۲۵۷؛ محدود به خواص اهل حق نبوده، و نزد عموم افراد حتی بیگانگان نیز معروف بوده است، حتی کسانی که در ادامه مسیر از ارتباط با ناحیه مقدسه محروم شده و بیگانه شمرده شده بودند.

خداوند همه ما را به معرفت شامله و تسلیم کامله و پیروی و عبودیت تامه و خدمت خالصه و متواصله حضرت وجه الله القائم بأمر الله ابو القاسم محمد بن الحسن المهدي (منه السلام والیه التسلیم) همواره موفق و نایل بدارد. آمین رب العالمین.

هو الله العلي الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَكِيِّ أَمْرِكَ الْحَاضِرِ الْمُسْتَوْرِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ وَأَبِيهِ الْإِمَامِ الْحَادِي عَشَرَ 7 وَأُمِّهِ نَرْجِسَ وَأَخِيهِ مُوسَى وَأَوْلَادِهِ وَأَحْفَادِهِ وَسَفَرَاءِهِ وَنَوَّابِهِ وَعَمَّالِهِ وَأَنْصَارِهِ

اللَّهُمَّ أَفْضِ صَلَاةَ صَلَوَاتِكَ وَ سَلَامَةَ تَسْلِيمَاتِكَ عَلَى سِرِّ السَّرَائِرِ الْعَلِيَّةِ وَ خَفِيِّ الْأَرْوَاحِ الْقُدْسِيَّةِ مَعْرَاجِ الْعُقُولِ مُوَصَّلِ الْأَصُولِ قُطْبِ رَحَى الْوُجُودِ مَرْكَزِ دَائِرَةِ الشُّهُودِ كَمَالِ النَّشْأَةِ وَ مَنْشَأِ الْكَمَالِ جَمَالِ الْجَمِيعِ وَ مَجْمَعِ الْجَمَالِ الْوُجُودِ الْمَعْلُومِ وَ الْعِلْمِ الْمَوْجُودِ السَّائِلِ الْجُودِ الثَّابِتِ فِي الْأَبُودِ الْمُحَاذِي لِلْمَرَاتِ الْمُصْطَفَوِيَّةِ وَ الْمُحَقِّقِ بِالْأَسْرَارِ الْمُرتَضَوِيَّةِ الْمُرَشَّحِ بِالْأَنْوَارِ الْإِلَهِيَّةِ وَ الْمُرَبِّيِّ بِالْأَسْتَارِ الرَّبُوبِيَّةِ قِيَاضِ الْحَقَائِقِ بِوُجُودِهِ وَ قَسَامِ الدَّقَائِقِ بِشُهُودِهِ الْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الْإِلَهِيِّ وَ الْحَاوِيِّ لِلنَّشْآتِ الْغَيْرِ الْمُنْتَهِيِ غَوَاصِ الْيَمِّ الرَّحْمَانِيَّةِ وَ سَلِكِ اللَّيَالِي الرَّحِيمِيَّةِ طُورِ تَجَلَّى الْأُلُوهِيَّةِ نَارِ شَجَرَةِ النَّاسُوتِيَّةِ نَامُوسِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ غَايَةِ الْبَشَرِ أَبِي الْوَقْتِ مَوْلَى الزَّمَانِ الَّذِي هُوَ لِحَقِّ أَمَانٍ نَاطِمِ مَنَاطِمِ السِّرِّ وَ الْعَلَنِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ

دوشنبه هشتم شعبان ۱۴۲۹ هجری قمری (یکهزار و یکصد و هفتاد و دومین) سالروز فرخنده میلاد مسعود

حضرت قدسیه وجه الله و قبله حقیقیه عباد الله مولانا صاحب الامر ارواحه قدا

به پیشگاه مبارک حضرتش و حضور والد معظمش حضرت عسکری 7 و والده مکرمه اش جناب نرجس 3 تبریک عرض می کنیم

به روایت جناب حسین بن حمدان از جناب مفضل جعفی از حضرت امام صادق (صلوات الله علیه) در کتاب الهدایة الكبرى و نقل بحار الأنوار و نیز روایت صدوق از غیاث بن اَسَد در اکمال الدین و نقل ابن الأَزرَق فی تاریخ مِیافارقین وابن خلکان قی و فیات الأعیان و نقل بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۵ ص ۲۵ و ص ۳۶۰ و ج ۵۳ ص ۱۶ و وقایع الشهور، آیة الله بیرجندی نقل تقویم الواعظین ص ۱۳۳ / به نقل وقایع الایام خیابانی، مجلد ماه رجب و شعبان، ص ۳۶۹ از جلاء العیون

در این روز، سنه ۲۵۷، ولادت با سعادت امام زمان: حضرت حجة بن الحسن، صاحب الامر علیه السلام واقع شده است. شیخ صدوق از حکیمه دختر حضرت جواد علیه السلام روایت کرده که فرموده: فرستاد بنزد من امام حسن عسکری علیه السلام و فرمود که ای عمه! افطار خود را نزد ما قرار بده، و خداوند تبارک و تعالی ظاهر میکند در این شب، حجت را و او است حجت او در زمین. گفتم: از کدام زن؟ فرمود: از نرجس. گفتم: بخدا قسم، خدا مرا فدای تو کردند، در او اثر حملی نیست. فرمود: همانستکه گفتم بتو.

حکیمه گفت: پس وارد شدم بر نرجس چون سلام کردم و نشستم، آمد که کفش از پای من در آورد، بمن گفت ای سیده من! چگونه است حال شما؟ گفتم: تویی سیده من و سیده اهل من، این کلمه را از من بعید دانست و گفت: این چیست که میفرمائی از عمه! گفتم: از دختر جان من! خداوند عالم، در این شب بتو پسری خواهد کرامت کرد که سید دنیا و آخرت باشد، پس نرجس نشست و از این مطلب شرمش آمد، پس من نماز خود را گذاردم و چون از نماز عشاء فارغ شدم، افطار کردم و خوابیدم

چون دل شب شد، برخواستم بنماز شب و چون از نماز فارغ شدم، دیدم نرجس هنوز در خواب است و حادثه ای هم بر او رخ نداده، پس نشستم مشغول تعقیب شده، پس خوابیدم دوباره فزعناک از خواب برخواستم باز نرجس در خواب بود، پس برخواستم مشغول نماز شب شد و من چون آثاری در نرجس ندیدم در دلم چیزی گذشت که صدای حضرت عسکری علیه السلام بلند شد که ای عمه! تعجیل منما، امر ولادت نزدیک شد، من شروع کردم بخواندن الم سجده و پس که ناگاه نرجس بحالت فزع برخواست، من نزدیک او شدم و گفتم: اسم الله عليك، آیا در خودت چیزی احساس میکنی؟ گفت: بلی ای عمه! گفتم: قلب خود را جمع کن، این علامت همانستکه بتو گفتم،

پس مرا و نرجس را سستی خواب گرفت و وقتی بیدار شدیم که آنمولود مسعود دنیا آمده بود، پس جامه را از روی او برداشتم، دیدم که در سجده است و مناجد خود را بر زمین گذاشته، پس او را در بر گرفتم، دیدم نظیف و پاکیزه است، پس صدای پدرش بلند شد که ای عمه! بیاور پسرم را. من بردم او را بنزد آنحضرت، پس آنجناب دستهای خود را در زیر ران و کمر او گذاشت و قدمهای او را بر سینه خود نهاد، پس زبان خود را در دهان او گذاشت و دست بر چشم و گوش مفاصل او مالید و فرمود: ای پسرک من! تکلم کن، حضرت حجة گفت: اشهدان الاله الاالله وحده لا شریک له و اشهدان محمدا رسول الله، پس صلوات فرستاد بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر ائمه تا پدر بزرگوار خود و ساکت شد. امام حسن، فرمود: ای عمه! ببر او را بنزد مادرش تا سلام کند بمادرش و دوباره او را بیاور. من بردم او را نزد مادرش، چون سلام کرد بر او، برگردانیدم او را بخدمت پدرش.

حضرت فرمود: ای عمه! چون روز هفتم شد بنزد ما بیا. حکیمه گفت: چون داخل صبح شدم، رفتم خدمت حضرت امام حسن تا سلام کنم بر او، پرده را پس کردم تا سید خود، حضرت حجة، را به بینم، او را ندیدم. گفتم فدایت شوم کجا شد؟ فرمود: سپردیم او را به آنکه سیرد باو مادر موسی، موسی را، چون روز هفتم شدت خدمت آنحضرت رسیدم و سلام کردم و نشستم. آنجناب فرمود: پسرم را بیاور نزد من، پس آنمولود را در میان خرقه گذاشته بخدمت پدرش بردم باز مثل روز اول کرد با او، پس زبان در دهان او گذاشت مثل آنکه او را بشیر یا عسل غذا بدهد،

پس فرمود: تکلم کن ای پسر من! حضرت حجة، شهادت گفت و صلوات بر رسول و امیرالمؤمنین و ائمه فرستاد تا پدر بزرگوارش، پس این آیت مبارک از قرآن تلاوت کرد: بسم الله الرحمن الرحيم و نريد ان نمى على الذين... الى قوله تعالى... ماكانوا يحذرون.

ای حریمت کعبه توحید را رکن یمان آسنت مستجار است و درت دارالامان
پیش کرسی جلالت عرش کتربیا ای میت معمور جمالت قبله هفت آسمان

والحمد لله رب العالمين